

نقش و رابطه دولت، مردم و بخش خصوصی در تولید

مثلث دولت-بخش خصوصی-مردم

بازبزرگان اقتصاد ایران، در فضایی جای گیری کرده‌اند که پُر از نقص و ایراد است.

عدم مرغوبیت و کیفیت لازم برخی کالاهای تولید شده در داخل برای رقابت با بازارهای جهانی و البته پولشویی از مهمترین دلایل افزایش قاچاق در کشور بوده‌اند. دولت باید مشکلات اینچنینی را که به فضای کسب و کار کشور آسیب می‌رسانند، رفع نماید تا تولید کنندگانی که در حال حاضر همه هم و غمشان آن است که چک‌هایشان برگشت نخورد و یا بنگاهشان به ورطه ورشکستگی



در ایران اگر چه به غلط، دولت مهمترین بازیگر اقتصادی کشور به شمار می‌رود، اما این بازیگر هنوز نتوانسته نقش خود را به خوبی انجام دهد. نکته آن که ناکارآمدی این مهره بر عملکرد دیگر مهره‌ها هم تأثیر دارد و به همین دلیل است که امروز اقتصاد قدرتمندی نداریم.

بخش خصوصی در اقتصاد ایران جایگاه مطلوبی ندارد و اگر چه در خلال سال‌های اخیر، بعضاً شاهد

نیفتد، به تولید کنندگان ثروت آفرین بدل شوند. علاوه بر این، دولت باید بی‌انضباطی‌های بودجه‌ای خود را کنترل کند تا شرایط اقتصادی کشور به ثبات برسد. همچنین به دلیل آن که نهادهایی همچون اتاق بازرگانی - که باید به مقوله تولید ثروت در کشور نظارت داشته باشند - عملکرد خوبی ندارند، دولت باید با اصلاح اوراق بازرگانی شرایط را برای حضور بیشتر بخش خصوصی فراهم نماید.

اوراق مشکل گشا

خصوصیت این اوراق آن است که با تاریخ سررسید بسیار کوتاه (کوتاه مدت) توسط بخش خصوصی منتشر می‌شوند و به جای آن که به خریدار بهره دهند، آن را با تخفیف فروخته و در زمان سررسید، قیمت اصلی را به خریدار ورقه برمی‌گردانند. این اوراق، یکی از ابزارهای کارآمد تأمین مالی شرکت‌ها هستند که با توجه به مشکلات مالی بنگاه‌های داخلی، استفاده از این ابزار اقدام کار سازی خواهد بود. در کنار موارد مذکور، دولت باید کلیه موانعی را که به تولید آسیب می‌رسانند از میان بردارد. به عنوان مثال، علاوه بر اصلاح برخی قوانین و همچنین ترمیم بسیاری از بازارها که نواقص آنها بخش تولیدی را با مشکل مواجه نموده، تعطیلی‌های زیاد ایران، حجم این مشکلات را بیشتر کرده‌اند. در سال‌هایی نه چندان دور، برخی از کشورهای پیشرفته برای ارج نهادن به زحمات توماس ادیسون، یک ساعت از یک روز خاص را به خاموشی اختصاص می‌دادند، اما به دلیل ضربه‌های مهلکی که تنها از همین یک ساعت خاموشی بر اقتصادشان وارد می‌شد، این حرکت نمادین را به فراموشی سپردند.

در کشور ما در برخی فصول سال، دولت با قطع برق واحدهای تولیدی - آن هم در قالب برنامه‌های زمان بندی شده! - نه یک ساعت، بلکه ساعت‌ها برق بنگاه‌های تولیدی

و آکناری‌هایی به بخش خصوصی بوده‌ایم، اما به دلیل آن که و آکناری‌های صورت گرفته، تحت همان تفکر سابق دولتی محور تحقق یافته‌اند، شاهد توسعه بخش خصوصی و به تبع آن اقتصاد کشور نبوده‌ایم. انتقاد ما به این دلیل است که بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور به بودجه دولت وابسته است و اگر رقم این بودجه‌ها کاهش یابند، چون سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت برنامه خاصی برای درآمد زایی خود ندارند، ناکارایی و بی‌بازدهی آنها بیش از پیش نمایان می‌گردد.

دولت باید مزیت‌های داخلی کشور را شناسایی نماید و یارانه‌های خود را در بخش‌هایی عرضه کند که از مزیت برخوردارند. این امر، منجر به ظهور و بروز توانایی‌های موجود در عرصه رقابتی کشور شده و به ثمر بخشی حمایت‌ها در راستای تأثیر گذاری بهتر و خلق بیشتر ثروت خواهد انجامید. این مسأله، تجربه کشورهای توسعه یافته دنیا است که امروز در اختیار ما قرار گرفته است. به عنوان مثال، سوئیس به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان که مزیت قابل توجهی را در بخش کشاورزی خود جست‌وجو نموده، حتی حاضر به عضویت در اتحادیه اروپا هم نشده تا بتواند بدون قوانین دست و پا گیر، با وضع انواع تعرفه‌های گوناگون بر کالاهای وارداتی کشاورزی، بخش تولیدی و پُربازده خود را همچنان سر پا نگه دارد. در کشور ما نه تنها در سال‌های اخیر با افزایش واردات، کمر تولید شکسته شده، بلکه با عدم نظارت مناسب، راه برای انواع کالای قاچاق در کشور فراهم آمده است. بر اساس گزارش نیروی انتظامی، حجم کل کالای قاچاق وارد شده به کشور در سال گذشته معادل ۱۹ میلیارد دلار بوده که این رقم نسبت به سال قبل از آن ۲۲ درصد افزایش یافته است. مشکلات اشتغال به خصوص در شهرهای مرزی کشور، بوروکراسی بالا و بی‌دلیل اداری در سیستم صادرات و واردات کالا، تعرفه‌های نامتقارن گمرکی،

دولتمردان و مسؤولان اجرایی کشور باید همت بیشتری در خصوص این راهکارها و سیاست‌ها داشته باشند تا این مهم به سر منزل مقصود برسد. همچنین می‌توان اقدام به تأسیس دانشگاه‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در خارج از مرزهای کشور کرد تا علاوه بر افزایش مرادات بین‌المللی، مشکل واردات استادان خبره هم حل شود.

در کنار این روش، به دلیل اهمیت شگرف واحدهای تحقیق و توسعه (R&D) در توسعه محصولات و روش‌های تولید و در گسترش بازارهای داخلی و جهانی، دولت باید با حمایت از بخش خصوصی، آنها را مجاب به سرمایه گذاری در واحدهای تحقیق و توسعه نماید. یکی از خصوصیات واحدهای R&D این است که راهکارهای دستیابی به تکنولوژی کشورهای صاحب اقتصاد را از طریق فرآیند مهندسی معکوس فراهم می‌آورند. این مسأله کمک می‌کند تا با بومی سازی تکنولوژی وارداتی، علاوه بر تولید محصول با کیفیت و منطبق با تکنولوژی روز دنیا، به صادر کننده کالاهای تکنولوژیکی تبدیل شویم. همچنین به دلیل بهره‌وری اندک عوامل تولید در اقتصاد ایران که بیشتر به خاطر ساختار ناهنجار مدیریتی کلان کشور است، باید با برگزاری کلاس‌های توجیهی و کنفرانس‌های حتی فراملی، سبک و سیاق مدیریت روز دنیا را که مبتنی بر حداکثر سازی سود است، به مدیرانمان انتقال دهیم.

باید برای دستیابی به اهداف اقتصادی کشور که چیزی جز رفاه تمام عیار ملی نیست، سرمایه گذاریمان را افزایش دهیم. قطعاً با افزایش سرمایه گذاری به خصوص در حیطه نیروی انسانی و دانش فنی، برگشت پذیری آن را نه تنها در بلند مدت، بلکه در میان مدت هم شاهد خواهیم بود. یکی از سرمایه گذاری‌هایی که در این حوزه برای ثروت سازی در کشور به شدت به آن نیازمندیم، سرمایه گذاری بر نیروی نخبه کشور است. در کنار این مسأله باید به مشکلات این قشر بیشتر بی‌اندیشیم. به عنوان مثال، یکی از مشکلاتی که در یکی دو سال اخیر برای مخترعان کشور به وجود آمده، افزایش شدید هزینه ثبت اختراع - از ۵ هزار تومان به ۵۰۰ هزار تومان - بوده است که این عامل بسیاری از مبتکران را در ارابه و ثبت اختراع خود مأیوس کرده است. قطعاً مبتکری که تمام وقت خود را صرف تحقیق و پژوهش نموده تا ابداعی جدید خلق کند، پولی در بساط خود ندارد که بخواهد آن را صرف ثبت اختراعش نماید. حمایت‌های مادی و معنوی از نخبگان از گام‌های مهمی است که باید برای ثروت سازی ملی هر چه سریع‌تر صورت پذیرد.

بر اساس گزارش بانک جهانی، هزینه تحقیق و پژوهش بر حسب درصدی از محصول ناخالص داخلی (GDP) در کشورمان در سال ۲۰۰۶ با ۰/۰۶ واحد درصد کاهش نسبت به سال ۲۰۰۵ معادل ۰/۶۷ درصد بوده، در حالی که این رقم در کشوری چون کره جنوبی معادل ۳/۲۲ درصد گزارش شده است. ■

مشکلات ثروت سازی در کشور

مدیریت و منابع هماهنگ نیستند

مصاحبه اختصاصی «اقتصاد ایران»، با دکتر احمد روستا، عضو هیأت تحریریه ماهنامه

در دنیا مسأله نیستند، باعث شده است وقتی برای آنها باقی نماند تا به راهکارها توجه نمایند. اگر منابع ثروت ساز کشور را طبقه بندی کنیم و به شناسایی منابع اصلی، فرعی و اولویت دار بپردازیم و پس از آن، به ترتیب اولویت و به دور از هر گونه نگرش سیاسی، منابع را در اختیار کسانی بگذاریم که می‌توانند در ثروت



اقتصاد ایران: آقای دکتر! منابع عمده کشورمان را در بحث تولید ثروت در چه حوزه‌هایی می‌بینید؟

منابع تولید ثروت، اگر چه در ایران تفاوت آنچنانی با دنیا ندارند، اما به دلیل آن که در برخی از حوزه‌ها از منابع خود به درستی استفاده نمی‌کنیم، در نتیجه از تولید ثروت محروم می‌شویم. به نظر من، مهمترین مسأله‌ای که

ساز نقش داشته باشند و همچنین الگو و استراتژی مشخصی برای استفاده از منابع تعیین شده داشته باشیم، شاهد نتایج ارزنده‌ای خواهیم بود. به طور خلاصه، راه حل‌ها را نباید در مدل‌ها و فرمول‌های پیچیده یافت، بلکه لازم است به بسیاری از موارد ساده و غفلت شده، توجه بیشتری داشته باشیم.

اقتصاد ایران: در مورد بازیگران خلق ثروت و وظیفه آنها توضیح بفرمایید؟

یکی از مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد، این است که ما نقش دولت را بسیار بزرگ کرده‌ایم و برعکس، نقش بخش خصوصی را بسیار کوچک می‌دانیم. این حرکت یک باور غلط را به وجود آورده و آن این است که همه چیز در اختیار دولت است، پس ما هم بنشینیم و ببینیم که دولت چه می‌کند. باید کسانی که قدرت تشخیص منابع را چه در سطح خرد و چه در سطح کلان دارند، با تشکیل تشکلهای و NGOها، الگوی بهینه مدیریت منابع را به دولت ارائه دهند. در این زمینه، اگر چه نقش دولت انکارناشدنی است، اما اگر بخواهیم منتظر اقدام دولت بمانیم، راه به جایی نخواهیم برد. به عنوان مثال، ما همگی از جاذبه‌های گردشگری ایران صحبت می‌کنیم، اما هیچ فرد و گروهی کاری نمی‌کند. باید برای غلبه بر روحیه نومیدی و مدیریت توجیهی، بخشی از منابعی را که دولت خیلی در آنها دست ندارد، به کار گرفته و با مدیریت صحیح آنها، الگویی مناسب و جدید برای استفاده از سایر منابع تولید ثروت طراحی کنیم.

ما برای تولید ثروت به آن توجه نمی‌کنیم، منابع دانش محور هستند. مشکل ما این است که منابع ثروت ساز ما سنتی‌اند. ما باید به دنبال منابع جدید باشیم و روی منابعی سرمایه‌گذاری کنیم که خود مولد ثروت‌اند. عمده منابع ثروت ساز ما منابع زیرزمینی و خدادادی هستند که نفت و گاز بخشی از این موارد هستند. البته منابع دیگری همچون جاذبه‌های گردشگری را هم داریم که متأسفانه نه این منابع را به درستی شناسایی کرده‌ایم، نه به خوبی از آنها بهره‌برداری می‌کنیم و نه نسبت به ثروت‌سازیشان حساسیت داریم. به طور کلی، منابع انسانی و خدماتی، پتانسیل زیادی برای سرمایه‌گذاری در آینده دارند که تا الان به درستی روی آنها سرمایه‌گذاری و مدیریت نکرده‌ایم. عدم مدیریت مناسب منابع انسانی از سوی ما، باعث شده است این منابع ارزشمند، راهی کشورهای دیگر شوند و به تولید ثروت برای دیگران بپردازند. اگر نمی‌توانیم از این منابع ثروت‌ساز، بدان دلیل است که نتوانسته‌ایم مدیریت منابع را به درستی تعریف کرده و یا اجرا کنیم. ما نیازمند بازنگری اساسی در حوزه مدیریت منابع گوناگون هستیم تا از این طریق، بتوانیم در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ارزش آفرین باشیم.

اقتصاد ایران: به نظر شما آیا مدیران ما راه حل این مشکل را نمی‌دانند؟

به نظر بنده مسئولین، بسیاری از راهکارها را می‌دانند، اما درگیر بودن آنها با بسیاری از مسائلی که

را قطع می‌کند. روزهای بسیاری از سال را هم در تعطیلی به سر برده و موتور اقتصاد کشور را خاموش می‌کنیم. آیا در کشوری که بیش از یک سوم روزهای بالقوه ثروت ساز آن تعطیل است، می‌توان ثروت آفرید؟

مردم و بخش خصوصی

در حال حاضر، واردات تکنولوژی به دلیل مشکلات سیاسی بین‌المللی با هزینه‌های بالا صورت می‌گیرد. این موضوع برای شرکت‌های دولتی به مراتب مشکل‌تر است، در حالی که بخش خصوصی قادر به انجام این مهم از راه‌های قانونی می‌باشد. مضاف بر این، نیروی کار که از مهمترین ابزارهای تولید ثروت به شمار می‌رود، باید توسط بخش خصوصی آموزش ببیند تا از این طریق، تخصص لازم برای تولید ثروت به او انتقال یابد. سرمایه‌گذاری گسترده بر نیروی انسانی و بکارگیری نیروهای مستعد و نخبه در اقتصاد و صنعت، می‌تواند تا اندازه زیادی فرصت‌های ثروت آفرینی را برای کشور فراهم نماید.

بازیگر سوم این بازی مردم هستند. متأسفانه ما هیچ‌گاه در محاسباتمان در عرصه تولید، پتانسیل نیروی مردمی را لحاظ نمی‌کنیم. ارقام بین‌المللی نشان می‌دهند کشورمان اگر چه در قیاس با برخی کشورها عملکرد ضعیف‌تری داشته است، اما کم و بیش از درآمد سرانه تقریباً خوبی بهره‌مند است. با توجه به آن که عموم مردم ما بخشی از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند، باید سیستم کارآمدی تدوین شود تا از ظرفیت پس‌انداز شده مردم به نحو کارآمد برای ثروت‌سازی در کشور استفاده شود؛ کاری که امروز بانک‌های کشور به درستی آن را انجام نمی‌دهند. برای روشن شدن این مطلب، نگاهی مختصر به آمار می‌انجامیم.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، محصول ناخالص داخلی (GDP) ایران در پایان سال ۲۰۰۹ معادل ۳۲۵ هزار و ۹۲۸ میلیون دلار بوده است که از این مقدار، در حدود ۵۳/۲۵ درصد آن یعنی در حدود ۱۷۳ هزار و ۵۸۵ میلیون دلار به مصرف نهایی خانوار ایرانی رسیده است. یک نظام بانکی مطمئن و پایبند به قانون می‌تواند حجم عظیمی از پس‌انداز جامعه را به تولید هدایت کند. البته مطمئناً مطلوب‌تر آن است که بازار سرمایه کشور مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد و این اصلاح به هدایت مؤثر منابع موجود در کشور بپردازد. باید به فکر تقویت جایگزین‌های موجود برای این مهم در اقتصاد کشور باشیم تا بتوانیم انتظارات لازم را از این ظرفیت‌ها در راستای تولید بهره‌ور ثروت داشته باشیم. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود مهره چهارمی تحت عنوان سرمایه‌گذاران جزء کشور را داخل بازی مشارکت دهیم و برای بهره‌گیری از پس‌انداز ملی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد از ظرفیت‌های عظیم نزد آنان استفاده کنیم. ■